



حامد طبیبی

سه‌ ماه تا ۲۹ اردیبهشت، روز برگزاری دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری و پنجمین انتخابات شوراها، فرصت باقی است. هفته گذشته اعلام شد حسن روحانی برای حضور در این آوردگاه، تصمیم خود را گرفته است. اگر او به‌عنوان نامزد اصلاح‌طلبان و نیروهای میانه، تکلیف این جریان را تا حدی روشن کرده، اما طرف مقابل هم واکنش چندانی نسبت به موضوع انتخابات ندارد. این در حالی است که در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم، از ماه‌ها قبل احزاب اصلاح‌طلب و اصولگرا در تکیا‌و بودند و فقط آمدن یا نیامدن آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی مشخص نبود. در انتخابات دهم، مهدی کروی‌ی در مهرماه ۸۷، اعلام نامزدی کرد و در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم نیز ائتلاف سه‌گانه ولایتی، قالیباف و حدادعادل، از چند ماه مانده به انتخابات به فعالیت رسانه‌ای پرداخت. عبدالله ناصری، از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و عضو شورای مشورتی رئیس‌جمهور دوران اصلاحات، در گفت‌وگو با «شرق»، تحلیل خود را درباره چرایی فضای سیاسی غیرانتخاباتی امروز، بیان کرد.

❧ چرا فضای سیاسی کشور انتخاباتی نیست؟

ایجاد فضای سیاسی در فصل انتخابات، نیازمند پیش‌زمینه‌هایی از جمله نشاط اجتماعی است. نشاطی که درون زندگی افراد و زیست اجتماعی آنان وجود داشته باشد. اگرچه در ایام انتخابات باید نوعی نشاط اجتماعی حتی به شکل موقت در جامعه ایرانی دیده شود. گاهی هم که فضا انتخاباتی می‌شود و مردم حال‌وهوای انتخاباتی پیدا می‌کنند یا طبیعی نیست یا از ترس رخداد منفی است که باعث می‌شود به سوی صندوق‌ها بشتایند. البته این فهم و ادراک هم قابل ستایش است اما در ادوار گذشته انتخابات دیده شده گاهی حتی خود مردم در روزهای پایانی منتهی به انتخابات، امیدی را شکل می‌دهند.

❧ **پس معتقد هستید این مشکل فقط مربوط به این دوره نیست؟**

به نظر خودم از انتخابات سال ۸۴ که این روند به یک روند اضطراری تغییر حالت داده است. درعین‌حال با توجه به اینکه انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها، دربرگیری زیادی در سراسر ایران دارد، وجود برنامه‌های متنوع در رسانه عمومی در شکل‌گیری آن نقش درخور توجهی دارد. درباره شکل‌گیری فضای انتخاباتی در صداوسیما، به نظر می‌رسد هنوز این جمع‌بندی حاصل نشده است که مردم را متوجه کنند دقیقاً سه ماه دیگر انتخابات مهم ریاست‌جمهوری دوازدهم و شورا‌های پنجم را داریم. البته دیده شده اگر این تبلیغ به صرفه جهت‌گیری‌های سیاسی این رسانه نباشد، عمل‌های بی‌رای آن ندارند. یک نکته دیگر را نیز باید مورد توجه قرار داد. عملکرد کلان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، قضائی و مدیریت شهری بر روحیه مردم و حال‌وهوای جامعه تأثیرگذار است. مردم سؤال می‌کنند وقتی رای خود را به صندوق می‌ریزند و سلب‌بهای را برای اداره کشور انتخاب می‌کنند، چقدر روش مورد نظر آنان به کار گرفته می‌شود و درنهایت چه دستاوردی برای زندگی فردی یا مطالبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنان دارد؟

❧ **اینکه چرا در این دوره، فضا تا این حد سرد است به برآورده‌نشدن همین مطالبات بازمی‌گردد؟**

دقیقاً. جامعه ما مشخصات خاص خود را دارد درعین‌حال که مجموع آگاهی‌ها بالا رفته، اما ادراک تحلیلی و تبیینی نسبت به واقعیات جامعه، به همان میزان رشد نکرده است. نتخبکان باید پرچمدار شوند و فضا را به دست بگیرند و مسائل را تبیین کنند. ادراک تبیینی به دلیل حضور کمتر نتخبگان در میان مردم، خیلی واضح و روشن نبوده یا حداقل نمودار نیست. می‌دانیم جامعه ما جامعه کوتاه‌مدت است و تقصیری هم ندارد. این رفتار را در برخی سطوح مدیریتی دیده است. درواقع بخش‌هایی هستند که تصمیم‌سازی‌های مقطعی را دنبال می‌کنند. به‌همین‌دلیل وقتی دولت غیرهمسو با آنان بر سر کار می‌آید مطالبات تسریعی ایجاد می‌کنند و زمانی که دولت با آنان هم‌مسوا است، دستاوردهای تجعیلی را بسیار بزرگ‌نمایی می‌کنند. کشوری که می‌خواهد در مدار توسعه قرار گیرد باید درک و ادراک جامعه آن کوتاه‌مدت نباشد. برخوردی که با برجام به وسیله مخالفان دولت صورت گرفت مثال روشنی از این وضعیت است. این مختصات اجتماعی ایجاد می‌کنند درباره انتخابات هم رویکرد کلان آن از همین مدل ناقص پیروی کند. یعنی مطابق با فضای هیجانی و ادراکات غیرتبیینی و توصیفی در زمان کوتاهی به جمع‌بندی برسند و تصمیم بگیرند.

❧ **نتخبگان و چه‌رده‌ای ملی نیز در این تصمیم‌گیری در زمان کوتاه، تأثیرگذارند؟**

البته شخصیت‌های کاریزما تأثیرگذارند اما خود جامعه هم بعضاً تصمیم می‌گیرد. فراموش نکنیم اگر به دنبال روال عادی کار سیاسی هستیم، پیش‌نیاز آن این است که جامعه نرمال باشد و نسبت به حساسیت‌های اجتماعی باید در فاصله خیلی زودتر از سه ماه، واکنش نشان دهد. درعین‌حال چون جامعه ما اثربخیزی از رسانه‌ها دارد به‌طور طبیعی فعلاً به اغتراب‌ات به‌عنوان موضوع اصلی نگاه نمی‌کند. درعین‌حال در زوایای پنهان، نوعی بی‌رقعی به‌ویژه در

عبدالله ناصری در گفت‌وگو با «شرق»

فضای انتخاباتی شکل نگرفته است



عکس: مهدی کروی‌ی، شرق

❧ **چرا همه چیز به ریاست‌جمهوری خلاصه شده است؟ آیا نباید شوراها از سایه ریاست‌جمهوری بیرون آورده شود؟ در آن حوزه که قاعدا نشاط زیادی حکمفرما است، چون همه شهرها و روستاها نامزد اختصاصی دارند و از این حیث حتی از انتخابات مجلس هم دربرگیری بیشتری دارد.**

بله باید توجه به آن انتخابات قاعدا بیشتر باشد اما شوراها با دو مسئله جدی مواجه‌اند؛ یکی اینکه در فضاهای کوچک، محلی و منطقه‌ای، انتخاباتی‌شدن در زمان خودش رخ می‌دهد. در شهرهای کوچک فرصت یک‌ماهه‌های کافی است و به همین دلیل، شاید از حالا کعده‌های کوچکی در جلسات شبانه و در حاشیه مراسم‌های سنتی و مجالس غزا و عروسی شکل گرفته باشد اما عمومی نشده است. مسئله دوم، جدی‌تر است. پدیده شوراها درعین‌حال که جلوه بارز دموکراسی و مردم‌سالاری است اما چون بخش‌هایی از اول با آن مخالف بودند، در رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی برای اولویت‌بخشی به آن سرمایه‌گذار نیست شده است. حتی گاهی برعکس، تلاش شده تصویر ناکارآمدی و زینتی‌بودن از آن مخایره شود. دولت‌ها نیز فارغ از هر نوع گرایشی به دلیل علاقه وافر به تمرکزگرایی، در مقابل جلوه‌های تمرکززدایی مقاومت می‌کنند. وضعیت شوراها در شهرهای بزرگ روشن این نوع نگاه است که شورا نهادی تأثیرگذار نیست و در شهرهای کوچک هم اگر تأثیری داشته باشد، موقعیت‌های محلی و منطقه‌ای در یک ضرب‌الاجل زمانی شکل می‌گیرند و نیاز نیست از هم‌اکنون به شکل عمومی دنبال شوند.

❧ **اصلاح‌طلبان می‌گویند طرف مقابل به جای تکیه بر ظرفیت‌های خود به منصرف‌کردن یا حضورنداشتن اصلاح‌طلبان و نامزد‌هایشان دل‌خوش کرده است. آیا احساس**

در جناح مقابل هم چندان انگیزه‌ای به چشم نمی‌خورد چون می‌دانند آمدن به صحنه رقابت‌ها سودی برایشان ندارد. ممکن است همین فضای سردی که به آن اشاره کردید، در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ برعکس و جناح مقابل از خیلی قبل وارد عرصه انتخابات شود

به‌هرحال امروز اتفاقات بزرگی رخ می‌دهد اما وقتی در برابر آن سؤال شکل می‌گیرد و پاسخ داده نمی‌شود، جامعه را سرد می‌کند و دچار نوعی کرختی نسبت به اتفاقات می‌شود. حادثه پلاسکو یا برخورد دو قطار یا پرونده‌های فساد مالی عملاً جامعه را در برابر ابهام قرار می‌دهد. آیا این رخداد‌ها مایه‌زایی برای روشن‌شدن اذهان دارد یا نه؛ اینها همه عواملی می‌شود که جامعه را به لاک خود فرو می‌برد.

❧ **اشاره کردید با توجه به حضور رئیس‌جمهور دوره یازدهم در انتخابات، اصلاح‌طلبان تا حدی خیالشان راحت است و طرف مقابل هم شانس‌ی برای خود متصور نیست. این نوع نگاه، با درنظرگرفتن واقعیت‌های امروز جامعه، بیان شده است؟**

البته دغدغه‌هایی نیز وجود دارد که ممکن است روی فضای انتخابات تأثیر بگذارد. اگر به این مسائل دقت نشود، نمی‌توان از هم‌اکنون نتیجه انتخابات را روشن دانست. اما در جریان مقابل، به نظر می‌رسد نوعی ابهام و پراکندگی وجود دارد که باعث عدم تصمیم آنان شده است چراکه هنوز جامعه، نسبت به عملکرد یکپارچه جناح راست در هشت سال دوران احمدی‌نژاد و پاسخ‌گوبودن درباره آن، نگاه منفی دارد و درعین‌حال دولت یازدهم با وجود همه مصائب و مشکلات طبیعی و غیرطبیعی، کارنامه بهتری نسبت به آن دوره دارد.

❧ **چرا همه چیز به ریاست‌جمهوری خلاصه شده است؟ آیا نباید شوراها از سایه ریاست‌جمهوری بیرون آورده شود؟ در آن حوزه که قاعدا نشاط زیادی حکمفرما است، چون همه شهرها و روستاها نامزد اختصاصی دارند و از این حیث حتی از انتخابات مجلس هم دربرگیری بیشتری دارد.**

بله باید توجه به آن انتخابات قاعدا بیشتر باشد اما شوراها با دو مسئله جدی مواجه‌اند؛ یکی اینکه در فضاهای کوچک، محلی و منطقه‌ای، انتخاباتی‌شدن در زمان خودش رخ می‌دهد. در شهرهای کوچک فرصت یک‌ماهه‌های کافی است و به همین دلیل، شاید از حالا کعده‌های کوچکی در جلسات شبانه و در حاشیه مراسم‌های سنتی و مجالس غزا و عروسی شکل گرفته باشد اما عمومی نشده است. مسئله دوم، جدی‌تر است. پدیده شوراها درعین‌حال که جلوه بارز دموکراسی و مردم‌سالاری است اما چون بخش‌هایی از اول با آن مخالف بودند، در رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی برای اولویت‌بخشی به آن سرمایه‌گذار نیست شده است. حتی گاهی برعکس، تلاش شده تصویر ناکارآمدی و زینتی‌بودن از آن مخایره شود. دولت‌ها نیز فارغ از هر نوع گرایشی به دلیل علاقه وافر به تمرکزگرایی، در مقابل جلوه‌های تمرکززدایی مقاومت می‌کنند. وضعیت شوراها در شهرهای بزرگ روشن این نوع نگاه است که شورا نهادی تأثیرگذار نیست و در شهرهای کوچک هم اگر تأثیری داشته باشد، موقعیت‌های محلی و منطقه‌ای در یک ضرب‌الاجل زمانی شکل می‌گیرند و نیاز نیست از هم‌اکنون به شکل عمومی دنبال شوند.

❧ **اصلاح‌طلبان می‌گویند طرف مقابل به جای تکیه بر ظرفیت‌های خود به منصرف‌کردن یا حضورنداشتن اصلاح‌طلبان و نامزد‌هایشان دل‌خوش کرده است. آیا احساس**

در جناح مقابل هم چندان انگیزه‌ای به چشم نمی‌خورد چون می‌دانند آمدن به صحنه رقابت‌ها سودی برایشان ندارد. ممکن است همین فضای سردی که به آن اشاره کردید، در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ برعکس و جناح مقابل از خیلی قبل وارد عرصه انتخابات شود

شاید یکی از دلایل این بود که تکلیف رئیس‌جمهور مستقر چه می‌شود؟ اگر مشابه آنچه درباره محمود احمدی‌نژاد وجود داشت، درباره دکتر روحانی هم رخ می‌داد و به‌طور صریح با

ضمنی، در سطوح کلان برای نامزدی ایشان فضای مثبتی شکل نمی‌گرفت، آن وقت جریان رقیب با توجه به امکانات وسیع و اطلاع سریع از مسائل پشت پرده، زودتر تلاش می‌کرد فضای کشور را انتخاباتی کند و نامزد‌های خود را به صحنه بیاورد. اما اکنون، به‌نظر من انتخاب‌های خود به در ابتدای گفت‌وگو چه می‌شود؟ اگر مشابه آنچه دربرابر محمود احمدی‌نژاد وجود داشت، درباره دکتر روحانی هم رخ می‌داد و به‌طور صریح با

❧ **اما حالا که تأیید شده ایشان نامزد انتخابات است، شاید طرف مقابل هم روی یک کاندیدا با اجماع رسیده و با همه ظرفیت به میدان بیاید. خیر، همین تأییدشدن خبر نامزدی دکتر روحانی در جمع‌بندی آثار تأثیر گذاشته و آنان احتمال زیادی می‌دهند که نمی‌توانند در برابر او نامزد جدی به صحنه بیاورند اما می‌توانند فضایی را ایجاد کنند که آقای روحانی رئیس‌جمهور دوازدهم را رای درخور توجهی نباشد.**

❧ **ظرفیت آن وجود دارد؟**

سیاست

الزامات نشاط سیاسی



محمد صادقی

۱. در دنیای دموکراسی، کناره‌گیری یا کنارگذاشتن مقام‌های سیاسی از مسئولیت به‌دلیل ناتوانی یا فساد سیاسی، سپردن مقام‌های خطاکار به دادگاه و مجازات آنها، بازگرداندن پول‌ها یا سرمایه‌هایی به خزانه دولت که با مشارکت مقام‌های سیاسی یا در اثر بی‌کفایتی آنها به طور غیرقانونی برداشت یا ربوده شده و... غیرطبیعی نیست. روند رسیدگی به تخلف‌ها و خطاهای مقام‌های سیاسی تعریف شده و مسیرهای مشخص خود را دارد. چنان‌که می‌دانیم، سامان سیاسی در نظام‌های دموکراتیک براساس قانون، رای مردم، حزب‌های سیاسی و مطبوعات آزاد تعریف می‌شود. ازاین‌رو وقتی مناقشه‌ای بروز یابد براساس قانون و در بستری که قانون مشخص کرده، حل و رفع شده و به آن رسیدگی می‌شود. هرچه هم که بلوغ سیاسی وزن بیشتری داشته باشد، گر‌ها با هزینه‌های کمتری گشوده خواهند شد. ازاین‌رو، نظارت، مراقبت و آموزش مستمر در تحکیم دموکراسی و اصولی که به مقاومت‌سازی آن می‌انجامند، بسیار اهمیت دارد.

۲. در ایران و در ماه‌های نزدیک به انتخابات، همه محفل‌ها و اردوگاه‌های سیاسی با شعار همدلی و پشتیبانی از خواسته‌های مردم به صحنه می‌آیند و با ترسیم چشم‌اندازهای بهتری سخنان و ادعاهای خود را مطرح می‌کنند. سخنرانی‌ها، گردهمایی‌ها، نشست‌ها و... هم برای ایجاد انسجام بیشتر در درون محفل‌ها و اردوگاه‌ها رونق می‌گیرد اما با پایان‌یافتن رای‌گیری، همین فعالیت‌ها نیز تا انتخابات بعدی متوقف شده یا به طور چشمگیری کاهش می‌یابند. شاید به این دلیل که به طور کلی میزان و کیفیت مشارکت سیاسی مردم، بیش از هر چیزی در حضور در انتخابات معنا می‌یابد و سنجیده می‌شود. در حالی که نشاط و شادابی فضای سیاسی و درنتیجه ایجاد همدلی و همکاری بیشتر برای اجرای آنچه در شعارها و وعده‌های انتخاباتی طرح می‌شود، بدون مشارکت مردم امکان‌پذیر نیست که بخش مهمی از آن مشارکت سیاسی است و در چارچوب کار و فعالیت حزبی پدیدار می‌شود.

در زمان انتخابات و ماه‌های نزدیک به آن، همه جهت‌گیری‌ها و نشانه‌گیری‌ها در محفل‌ها، اردوگاه‌ها و حرکت‌های پراکنده سیاسی، به سوی کسب کرسی‌های بیشتر است و مشارکت مردمی پشتوانه‌ای برای چنین مقصودی در نظر گرفته می‌شود. ولی به نظر می‌رسد مشارکت اجتماعی مطلوب و سازنده زمانی به قدرت سیاسی تبدیل می‌شود که در مسیر کار حزبی، تعریف و مستقر شود. به این صورت، شکل توزیع قدرت در چارچوب کارهای حزبی تعریف روشن‌تر و موثرتری می‌یابد. واقعیت این است که در ایران، کار سیاسی به معنای فعالیت حزبی هزینه‌آور ارزایی می‌شود، یعنی اگر ناپسند هم شناسانده نشود چندان پسندیده هم به شمار نمی‌آید. در کنار این عوامل دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، ضعف ما در کار گروهی نیز مانعی در شکل‌گیری حزب و کار حزبی خوانده می‌شود.

اما غیبت یا جدی‌نگرفتن کارهای آموزشی در زمینه شناساندن اهمیت کار گروهی و مشارکت اجتماعی و همین‌طور فضاهای اندکی که در اختیار نهاده‌ها و انجمن‌های غیردولتی برای عمق‌بخشیدن به همکاری‌های هدفمند شهروندان قرار دارند، عوامل مهم‌تری هستند و باید بیشتر به آنها توجه داشته باشیم.

ادامه در صفحه ۱۱

درنگ

زاویه

غفلت خطرناک از شوراها



فیا مصباح

با کاهش هیجانات سیاست خارجی و داخلی که در پی ممنوعیت‌های وضع‌شده از سوی ترامپ، فروپختن ساختمان پلاسکو و ماجراهای مربوط و به‌تازگی حرف‌وحدیث‌های مربوط به آشتی ملی، انتخابات بسیار مهم، بنیادی و سرنوشت‌ساز شورای شهر و روستا را که هم‌زمان با انتخابات ریاست‌جمهوری در اردیبهشت سال آینده برگزار می‌شود، پیش‌رو داریم. حوادث اجتماعی به صور مختلف ادامه می‌یابد و مسائل روزمره زندگی و تنگنای‌های شدید اقتصادی، ضرورت شوراها و نقش آن در سرنوشت محیط زندگی فردی و جمعی را به فراموشی نزدیک کرده است، تا آنجا که در مواردی حتی از نظر خواص لابی‌ای از قبیل برخورد‌های کزینشی، ورود افراد غیرمتخصص مثلاً ورزشکاران، نبود امکان رقابت اصولی، نفوذ جریان‌ات سیاسی و... سبب شده، بود و نبود آن یکسان فرض شود. چرایی این حالت در جامعه به دلیل محدودبودن اختیار انجمن‌های شهری در مقایسه با اختیارات نمایندگان مجلس و نکاتی از این قبیل نشئت می‌گیرد. درحرحال تاریخچه شوراها و نقش و جایگاه آن را یادآور می‌شویم و امیدواریم موردتوجه همگان قرار گیرد و وسایل ارتباط جمعی و گروه‌های مختلف سیاسی میهن‌دوست، مسئول، دلسوز و علاقه‌مند به ملک و ملت، به این مهم از هم‌اکنون توجه ویژه مبذول دارند.

پیشنهاد اینکه آگاه‌ترین و باصلاحیت‌ترین افراد معتقد به منافع ملی در این مرحله – هم‌زمان با ارائه برنامه برای سامان‌دادن به شهر، دیار و درنهایت کشورشان، خود را آماده ورود به این عرصه خدمت کنند که مقدمه‌ای بر حرکت اجتماعی موثر و لازم با همه اماوگرا‌هاست. مجدد تأکید می‌شود بر همه ملیون اندیشمند، وسایل ارتباط‌جمعی، گروه‌های اصلاح‌طلب و دیگر دلسوزان مملکت است که در فرصت اندک مانده با برنامه‌ریزی مناسب، ضمن آگاه‌کردن توده مردم به این مرجع و نهاد مردمی – خواص آگاه و خدمتگرا را به ورود به این صحنه تشویق و ترغیب کنند.

به‌هرحال با توجه به ضرورت ملی، اجتماعی حتی‌الامکان خلاصه، سابقه این امر مهم به شرح زیر است.

نخستین ردیای شوراها به قانون اساسی مشروطه بازمی‌گردد. عنوان «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» که در قانون اساسی مشروطه و دیگر قوانین موضوعه انعکاس یافت، اولین تبیین قانونی از نهاد شورا است، ایجاد نهادهای مشارکتی با تصویب قانون «شهرداری‌ها و انجمن شهر» در سال ۱۳۲۸ مورد توجه قرار گرفت و قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۱ انجمن شهر را پیش‌بینی کرد. قانون «تشکیل انجمن‌های ده و اصلاح امور اجتماعی و عمران ده‌ات» مصوب هفتم شهریور ۱۳۴۲ موضوع ده‌ها روستاها به‌وسیله انجمن‌های محلی را مدنظر قرار داد و در سال ۱۳۴۹ نیز قانون «تشکیل انجمن‌های شهرستان و استان» به تصویب رسید.

قبل از سال ۵۷ با وجود تصویب قوانین متعدد درباره تشکیل انجمن‌ها و تشکل‌های محلی برای اداره روستاها و شهرها، هیچ‌گاه نهادهای مزبور به صورت واقعی و منظم تشکیل نشدند و منابع سیاسی و اجتماعی متعددی در این مسیر قمار داشت.

بعد از این سال دلایل فراوانی وجود داشت تا نهاد شورا، مورد تأیید و تقادیر قرار گیرد. نظام با وابستگی تمام به حضور و نقش‌آفرینی مردم (مقدمه و اصل اول قانون اساسی) سبب شد جنبه‌های مختلف حضور و نقش‌آفرینی آحاد جامعه در تمام مراحل مورد توجه قرار گیرد. تشکیل نهاد شورا نیز در مسیر مشارکت و نقش‌آفرینی مردم اهمیت ویژه یافت؛ به‌ویژه آنکه مبانی فکری و دینی عمیقی نیز دراین‌باره وجود داشت. تأکیدات فراوان آیت، احادیث و... در نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور کشور از طریق به شور‌طلبیدن و مشورت‌کردن با آنها سبب شد اندیشه تشکیل شوراها حتی قبل از تدوین قانون اساسی در ذهن مسئولان نضج بگیرد و قانون شورا‌های محلی در ۱۳۵۸/۴/۱ از سوی شورای انقلاب به تصویب برسد. تصویب زودهنگام این قانون، آن هم به وسیله شورای انقلاب از اهمیت موضوع حکایت می‌کند. در جریان تصویب قانون اساسی نیز اهتمام ویژه‌ای به نهاد شورا مبذول شد. اصل هفتم که در زمره اصول کلی و محوری قانون اساسی بود، با الهام از آموزه‌های دینی این‌گونه مقرر داشت: طبق دستور قرآن کریم «وامرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی الامر»؛ مجلس شورا، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. در فصل هفتم قانون اساسی (اصول ۱۰۰ تا ۱۰۶) اهداف و مبانی ایجاد شوراها، سازمان و تشکیلات، نحوه تشکیل و وظایف و صلاحیت‌های شوراها به‌تفصیل بیان شده. با توجه به مبانی دینی و آنچه در قانون اساسی و قانون شورا‌ها دراین‌باره آمده، خاستگاه و مبانی سیاسی و حقوقی ارزشمندی قابل نتیجه‌گیری است (به چگونگی اجرای آن در محتی دیگر خواهیم پرداخت) به لحاظ سیاسی، شورا زمینه مشارکت مردم و تحقق «حق تعیین سرنوشت» آنها را فراهم می‌کند. مردم با شرکت در انتخابات ملی و تعیین نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور، یک دموکراسی سیاسی که اساسی‌ترین تصمیم‌گیری‌ها و امور اجرایی است را شکل می‌دهند و با شرکت در انتخابات شوراها و انتخاب اعضای شوراها نوعی دموکراسی اداری را و از این طریق در نزدیک‌ترین و ملموس‌ترین تصمیم‌گیری‌ها و امور اجرایی نقش‌آفرینی می‌کنند. (در شرایط ویژه منطقه‌ای می‌توان باور کرد ورود به این عرصه آن هم در این موقعیت با انبوه جوانان پرسرشگر و فعال، بسیار مهم و اساسی است) در حقیقت با تشکیل شوراها، نوعی نظام عدم تمرکز شکل می‌گیرد که از این طریق مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور خود نقش می‌آفرینند. قانون اساسی عدم تمرکز مزبور و اداره امور محلی را با رعایت اصول وحدت ملی، تمامیت ارضی و تابعیت حکومت پذیرفته است (اصل یکصدم قانون اساسی). ضمناً تأکید شده سپردن امور محلی به دست اهالی نباید بستر خودمختاری و تجزیه‌طلبی را فراهم سازد. قانون اساسی برای اجتناب از چنین گرایشاتی در ساختار شوراها و سلسله‌مراتب آن و همچنین در تبیین صلاحیت‌ها و اختیارات آن ترتیبی اندیشیده است که اداره امور محلی با لحاظ منافع ملی و مصالح عمومی و حفظ وحدت ملی و تحکیم حاکمیت ملی جریان پیدا کند. اصل یکصدم علت تشکیل شوراها، پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزش و سایر امور رفاهی را بیان کرده است: شوراها نهاد تصمیم‌گیر و اجراکننده هستند.

ادامه در صفحه ۱۱